

آینه

ایران

«نگرانی سایت احمد توکلی از رد صلاحیت‌ها»
سایت الف متعلق به «احمد توکلی» نماینده تهران در یادداشتی با عنوان «لزوم تعیین مرجع تشخیص مصادیق فتنه‌گر» از افرادی که رویدادهای سال۸۸ را به چماقی برای از میان به درکردن رقیب سیاسی بدل کرده‌اند انتقاد کرد و از اینکه در بررسی صلاحیت‌ها این موضوع لحاظ شود، ابراز نگرانی کرد.. در این یادداشت آمده: «...کار به جایی رسیده است که در برخی انتصابات، ملاک‌های دینداری، وفاداری به نظام، ولایت‌مداری، سوابق مبارزاتی و انقلابی‌گری و تخصص افراد در درجه چندم ملاحظه قرار می‌گیرد و از همان ابتدا، کار فرد را با برچسب فتنه‌گر، مقفون یا ساکت فتنه یکسره می‌کنند. نکند این بهانه همچون پیراهن عثمان شود که برخی با آن به دنبال تسویه حساب‌های جناحی و حزبی خود باشند؟ نکند خدای‌ناکرده برخی که اختیار تعیین صلاحیت‌ها را در ید خود دارند، بتوانند با این دستاویز، افراد متدین، انقلابی، ولایی، متعدد و متخصص را از عرصه خدمتگزاری به در کنند؟»

کیمیان

سرمقاله: «جنگ و صلح مذاکره» محمدایمانی

مذاکره را از جنس جنگ و جبهه بدانیم یا از نوع معامله و مصالحه، در هر دو صورت بی‌مایه فطیر است... فرآیند رسانه‌ای– سیاسی خاصی که هم در مصداق صلح طلبی و مصالحه‌خواهی دشمن خلاف واقع حرف می‌زند و هم مفهوم را تحریف کرده و دعوت به حسن ظن و اعتماد و اتکا به دشمن می‌کند، بدانند یا نداند به نقشه دشمن کمک می‌کند. در این میان بیان رهبر معظم انقلاب و اینکه فرمودند مخالف مذاکره و تمديد آن نیستیم، در حقیقت تدبیر حکیمانه‌ای بود که بحث را به محل منطق خود برگرداند و چهارچوب عاقلانه و عادلانه برای مذاکره ترسیم کرد تا جماعتی ادعا نکنند هیچ توافقی بدتر از عدم توافقی نیست! خیرا هر توافقی باید عادلانه و عادلانه و به‌دور از زورگویی و زیاده‌طلبی باشد... دشمن، من بمیرم و تو بمیری سرش نمی‌شود. به تعبیر رهبرمعظم انقلاب اگر او را نشناسیم پشت پا خواهیم خورد. او فقط زبان قدرت و اقتدار را می‌فهمد و چنین قدرتی در کردورهای مذاکره به دست نمی‌آید. دشمن اگر دشمنی کرد باید با رفتار متقارن و نامتقارن به او ضرب شست نشان داد. خبیث‌ترین دشمنان تنها اینگونه سر عقل می‌آیند.

بحث امروزه

سرمقاله: «مذاکره ومغالطه!» سیده‌آزاده‌امامی

این روزها صحنه سیاسی کشور شاهد وقایعی است از جنس مغالطه... اما متأسفانه هدفدار و به‌منظور از میدان به‌درکردن منتقدان دولت و خصوصا بالا بردن هزینه‌های سیاسی نقد توافق ژنو... منتقدان به‌خاطر مقایسه این توافق با حالت ایده‌آل (غنی‌سازی صنعتی) از آن رضایت ندارند، طرف اسرائیلی هم به‌خاطر مقایسه با حالت ایده‌آل مدنظر خودش (برپیده‌شدن کامل غنی‌سازی) از آن رضایت ندارد، چون ایده‌آل‌های ما متفاوتند، پس عدم‌رضایت دوطرف معنای واحد ندارد.

راست

سرمقاله: «سه نکته عبرت آموز» محمدکاظم انبارلویی

هرازچندی آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی روی حق‌الناس‌بودن رای مردم تاکید می‌کنند، به تقلید از ایشان هم برخی اصلاح‌طلبان در سخنرانی‌های خود ترجیح‌بند مطالبشان حق‌الناس‌بودن رای ملت است. این حرف درستی است، اما آیا حق‌الناس‌بودن رای ملت فقط در انتخابات سال ۹۲ بود؟ قبل از آن انتخاباتی در کار نبود؟ ... محمد فرهادی وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری توسط مجلس با رای بالا انتخاب شد. معلوم شد کلید قفل این وزارتخانه در جیب خود وزیر است. آنجا که صریحا اعلام کرد: «رهبری فصل‌الخطاب است و فتنه خط قرمز ماست.» چرا آقای رییس‌جمهور از ابتدا این کلید را در قفل وزارت علوم قرار نداد و آن را به راحتی نگشود و ۱۸ ماه کلیدی‌ترین وزارتخانه را دچار مشکلات مدیریتی کرد؟! ... فاجعه تیره مبارک محصول کدام غفلت رهبران انقلاب مصر است؟ مرسی چگونه از کاخ ریاست‌جمهوری به زندان رفت؟

جمهوری اسلامی

سن اعتیاد در کاشمر: ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۸ سال
فرماندار کاشمر از کاشش سن مصرف مواد مخدر در کاشمر به ۱۱ تا ۱۳سال خبر داد. مهدی فروزان در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه دو تا سه درصد مصرف‌کنندگان مواد مخدر را در شهرستان زان تشکیل می‌دهند، گفت: بیشترین کشفیات مواد مخدر مربوط به تریاک و هروین است.

سیدحسن خمینی در دیدار با تحریریه «شرق»:

هنر «دستوری» تاثیرگذار نیست

اینکه فکر کنیم با نمایش یک فیلم همه فضای ذهنی جامعه به هم می‌ریزد، صحیح نیست



عکس امیرعلیزیدی، شرق

ظهر پنجشنبه هفته گذشته، حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسن خمینی در جماران میزبان مدیرمسوول و اعضای تحریریه روزنامه «شرق» بود. در گپ‌وگفت میان روزنامه‌نگاران «شرق» و نوه امام‌راحل آنان دغدغه‌ها و نظرات خود پیرامون موضوعات مختلف را مطرح کردند که با پاسخ‌های سیدحسن خمینی و بیان دیدگاه‌های وی همراه بود. شبهات و موضع‌گیری‌های سیاسی مختلف حول شخصیت امام‌خمینی(ره) اولین موضوعی بود که یکی از حاضران به آن پرداخت و نظر یادگار امام را در این خصوص، جویا شد.

درمباحث مرتبط با امام

باید «شرایط» را در نظر داشت

سیدحسن خمینی در این زمینه گفت: «درخصوص مباحثی که در مورد امام مطرح است، باید «شرایط» را در نظر داشت؛ چراکه براساس شرایط می‌توان گفت چه کاری درست و چه کاری غلط است. یک مثالی بزنم؛ آیه «ان فتاحا لک فتحا مینا» که خداوند با نزول آن بر سر پیامبر(ص) منت گذاشته که به توف فح دادیم، درباره صلح حدیبیه است. در این معاهده صلح که ظاهر شکست داشت، خداوند از تعبیر فتح استفاده می‌کند، زیرا پیامبر(ص) در آنجا تصمیمی گرفت که بعد از سه‌سال بدون خونریزی نظام شرک را فروپاشید؛ بعضی واژه‌ها آنقدر زیاد به‌کار برده‌شده که ارزش خود را از دست داده‌اند؛ نظام شرک واقعا نظام شرک بود و واقع پیامبر(ص) با اضمای قرارداد از آنها برای تبلیغ وقت خرید. در فیلم محمدرسول‌الله(ص) این قسمت از تاریخ زندگی پیامبر(ص) در چند پلان کوتاه، به‌خوبی نمایش داده شد که وقدهایی از طرف پیامبر می‌رفتند و افرادی را دور خودشان جمع می‌کردند که بحث‌هایی همچون حقوق زنان، ملکوات، عدالت و... را طرح می‌کردند. اینک شما الزاما در نقطه‌ای صلح کنید یا جنگ کنید، فی‌حذفسه نه درست است و نه غلط؛ بلکه باید با توجه به شرایط نگاه کرد.»

او افزود: «اگر بخواهم نمونه‌ای دیگر را بیان کنم؛ یکی از بحث‌های مهم در تاریخ اسلام این است که چرا امام‌رضا(ع) وارد دستگاه مأمون‌عباسی شد؟ ایشان وقتی وارد دستگاه مأمون شد خیلی هزینه داد و فکر نکند یک آسانی بوده است، به ایشان می‌گفتند پس خونخواهی پدرت امام‌کاظم(ع) چه می‌شود؟ آنها پدر شما را کشتند. یعنی می‌گفتند شما با روی خون پدرت گذاشتی و وارد قدرت شدی؛ امام‌رضا(ع) تقریبا تمام سلسله‌نژاع‌های بین علوی‌ها و عباسی‌ها را تمام‌شده اعلام می‌کند و وارد دستگاه می‌شود. بنابراین ورود ایشان به دستگاه عباسی از نظر تاریخی، اتفاق ساده‌ای نبود و حتی زیدی‌ها و اسماعیلی‌ها خیلی زود شمشری کشیدند تا ایشان را بکشند و یکی، دویار همین افراطی‌های شیعه، ایشان را ترور کردند.»

یادگار امام ادامه داد: «من احتمالی را مطرح می‌کنم و می‌خواهم بگویم که شاید توجه آن حضرت در این کار این بود که از فرصت استفاده کرده و به صلحی نا نوشته میان علوی‌ها و بنی‌عباس در شبکه بنی هاشم برسد. بنابراین بعد از ایشان عباسی‌ها دیگر به ظاهر، کاری به شبکه تبلیغی شیعیان نداشتند؛ البته عباسی‌ها ائمه بعدی را نیز به شهادت رساندند اما مخفیانه و بدون زندان‌کردن کشتند؛ یعنی در ظاهر اجازه فعالیت دادند و شبکه‌های شیعه شکل گرفت

که در عصر غیبت اگر این شبکه‌ها وجود نداشتند کار شیعه بسیار سخت بود. بنابراین این شبکه آنقدر مهم است که تمام فرزندان امام‌رضا(ع) و امامان بعد از ایشان را ابن‌الرضا می‌گویند؛ زیرا کار ایشان مهم بود. این کار ایشان، دیدن یک تاریخ و زمینه‌سازی برای صودچندسال بعد است و اگر آن کار امام‌رضا(ع) نبود شیعه با مشکل روبه‌رو می‌شد. ایشان بستری را فراهم کردند که ائمه بعدی هم آن را ادامه دادند و در رفتارشان مشخص است، مثلا حضرت‌مهدی(عج) تمام مکتوباتشان را برای نكارش به عثمان‌بن‌سعید که از نواب اربعه بود، می‌دادند. امام‌هادی(ع) و امام‌عسکری(ع) تمام مکتوبات را به یک‌نفر دادند، در حالی که قبلا کتابان متعددی بودند؛ اما دلیل این کار آن بود که خط آن یک‌نفر در تمام جامعه شیعه شناخته‌شده باشد؛ زیرا آن زمان رسانه‌ای در کار نبود و از طریق همین دستخط اسکان تماس و ارتباط ممکن بود؛ حدود ۴۰، ۵۰سال خط عثمان‌بن‌سعید و محمدبن‌عثمان برای شیعیان شناخته‌شده بود و هرچه از طرف ائمه آمده با خط آنها بوده است که در دوران غیبت هم همین خط‌ها باعث شدند تا راه گم نشود و مردم آن را می‌شناختند.»

از دل هنر دستوری، تاثیرگذاری بیرون نمی‌آید

از جمله موضوعات دیگری که یکی از روزنامه‌نگاران سینمایی در این جلسه مطرح کرد، ایجاد محدودیت برای هشت‌فیلم سینمایی در آستانه اکران بود که در فضای سیاسی– هنری کشور بازتاب داشته است؛ یادگار امام(ره) درخصوص این موضوع گفت: «در رابطه با اینکه آیا کسانی که در ایران کار سینمایی می‌کنند، ممکن است ترویج سیاهنمایی کنند؟ یا کسانی که به ونیز می‌روند می‌توانند سیاهنمایی کنند؟ بله! ممکن است؛ اما ما نباید دنبال این ده‌ها حرف برویم، بلکه یک روش قانونی وجود دارد که باید آن را پذیرفت. اصولا زبان سینما و هنر مختص خودش است و شما نمی‌توانید از دل هنر دستوری، تاثیرگذاری بیرون بیاورید.»

اگر فکر کنیم چننه‌مان را است

از شبکه‌ها نمی‌تسیم

نوه گرامی امام‌خمینی با تاکید بر اینکه «بستن فضا فایده‌ای نخواهد داشت»، به‌سرعت شگفت‌انگیز ارتباطات در جهان امروز در مقایسه با گذشته اشاره کرد و افزود: «در ایران، زمانی بزرگ‌ترین رسانه «کاغذ اخبار» بود که در «مبئی» چاپ می‌شد و به‌وسیله کشتی بعد از چندین‌روز به ایران می‌رسید. یک فضای رسانه‌ای دیگر هم فضایی است که امروز شاهدیم و در آن شما وقایع آن‌سوی جهان را به‌صورت زنده مشاهده می‌کنید.» سیدحسن خمینی با بیان اینکه «امروز تمام‌شده اعلام می‌کند و وارد دستگاه می‌شود، بنابراین با بسته‌بودن فضا به نتیجه‌ای نمی‌رسیم»، گفت: «درصورت بستن فضا ناکاه زیرپوست‌شهر اتفاقی رخ می‌دهد که همه تعجب می‌کنند و از یکدیگر می‌پرسند چه شد. خصوصا آنکه امروز با آمدن «شبکه‌ها» اجتماعی»، رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و حتی سایت‌های خبری هم دچار کمبود مخاطب شدند زیرا زمانی مخاطب رسانه فقط می‌خواند؛ در زمانی دیگر با آمدن تلویزیون «دیدن» هم به آن اضافه شد، اما امروز او می‌خواهد خودش بنویسد و در فرآیند تولید خبر و بازخوردهای آن نقش داشته باشد.»

هم باید حول محور آن باشد و این باعث جذابیت می‌شود. ضمن اینکه مخاطب امروز حوصله خواندن مطالب یک‌صفحه‌ای را ندارد و باید خبرها کوتاه شود که بعضا می‌بینم این کار در موارد گوناگون، از جمله در خبر سخنان خودم به‌طور صحیحی اعمال می‌شود.»

همه چیز را کردن محدودیت نیندازد

یادگار امام در عین حال گفت: «در کار رسانه‌ای همه‌چیز را گردن محدودیت نیندازیم؛ ببینیم در کاستی‌ها خودمان چه مقدار مشکل داریم و چه مقدار ناشی از محدودیت است. بنابراین من قبول ندارم که همه مشکلات مطبوعات ناشی از محدودیت است و شاهد این سخن هم این است که در فضای فعلی بعضی روزنامه‌ها بهتر و بعضی بدتر هستند؛ پس می‌شود بهتر بود و بهتر کار کرد. ضمن اینکه قبول دارم هر چقدر تاثیرگذارتر شوید حساسیت بالاتر است. مثلا در روسیه نشریاتی که زیر هزارنسخه تیراژ دارند نیازی به مجوز ندارند که قانون نانوشته در کشور خود ما هم هست؛ یعنی بعضی نشریات که ممکن است تیراژ بالایی نداشته باشند، سیاست این است که هرچه می‌خواهند بگویند چون تاثیرگذاری ندارند. البته این روش قانونی نیست؛ اما طبیعی است؛ همان‌طور که در زمان شاه منبری‌هایی بودند که ده‌ها برابر امام، علیه شاه بیانیه می‌دادند، اما امام وقتی یک جمله گفت ایشان را تبعید کردند.»

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسن خمینی در ادامه سخنان خود به موضوع اصالت «نیت» در کارها و از جمله در فعالیت رسانه‌ای پرداخت و سخنان خود را با بیان یک‌روایت ادامه داد. او گفت: «روایتی از امام‌صادق(ع) هست که بسیار مهم است؛ از ایشان می‌پرسند انسان چه مقدار باید مریض باشد تا روزهاش را افطار کند؟ ایشان فرمودند انسان به نفس خودش بصیر است. اینکه انسان یک حرف را از روی شوخ، مسخولیت یا عامل دیگری می‌زند خود او بهتر می‌فهمد؛ اینکه اینجا فلان کار ممکن نشد یا ما تبلیی کردیم، خودمان بهتر می‌دانیم. مثلا اگر شما به کسی کمک مالی می‌کنید، این عمل براساس نیت شما رنگ می‌گیرد؛ آیا به خاطر عشق و علاقه پول را داده‌اید یا تحقیر؟ یا به‌خاطر کمک؟ نیت شما هرچه باشد، فعل شما رنگ همان را می‌گیرد. این رنگ، ارزش فعل است که یک زمان محبت می‌آورد و یک زمان تنفر؛ بنابراین گاهی یک کمک کوچک هم محبت می‌آورد، اما اگر یک کمک بالا به قصد تحقیر کنید موجب نفرت می‌شود؛ اینکه می‌گویند یک نفر دستش بی‌نمک است، در واقع به همین بی‌نمک‌بودن دل برمی‌گردد. من هم قبول دارم که جلو کار شما محدودیت هست، اما حرف این است که مخاطب می‌فهمد که شما در کجا محدودیت حذف شده است؛

یادگار امام ادامه داد: «اگر فکر کنیم چننه‌مان واقعا بر است، از شبکه‌ها نمی‌ترسیم. گاهی انسان ممکن است خیال کند حرفی برای گفتن ندارد و

بنابراین دست به بستن فضا می‌زند. ما حتی اگر از منظر پرآگامتیستی هم نگاه کنیم، واقعیت این است که اگر بگوییم می‌توانستیم فضا را ببندیم، خوب بود؛ نمی‌توانیم ببندیم؛ الاان فیلم‌هایی که در آمریکا روی پرده سینماس‌ت در ایران به‌راحتی در دسترس است؛ در کشور خود ما هم بعضا فیلم‌هایی بوده که امکان روی‌پرده‌رفتن را نیافتند اما به‌صورت غیررسمی پخش شدند و همین مساله هم شاید باعث توجه بیشتر به آن فیلم‌ها شد.» در ادامه این ملاقات، اعضای تحریریه روزنامه «شرق» به برخی محدودیت‌ها در حوزه خبررسانی اشاره کردند و از آن به‌عنوان یکی از عوامل «افت کیفیت مطبوعات»، یاد کردند؛ سیدحسن خمینی در پاسخ به این بحث‌ها گفت: «در اینکه محدودیت وجود دارد تردید نیست؛ این محدودیت‌ها در دوره‌هایی کم‌وزیاد شده است. در سینما هم که در مورد آن بحث کردیم، یکی از علل پیشرفت کارگردانان و فیلمنامه‌نویسان ایران این است که در محدودیت می‌توانند حرف بزنند؛ یعنی میزانش‌ها را باید با فضای محدودیت تولید کنند و همین مساله موجب خلاقیت هم شده است. من از محدودیت‌های کار شما نیز خبر دارم و می‌دانم که فضا چقدر سخت است، اما از حوزه‌های غیرحساس کار خود را شروع کنید.» او یادآور شد: «در گذشته، روزنامه‌ها خبر چاپ می‌کردند، هفته‌نامه‌ها به تحلیل‌های فی‌الجمله می‌پرداختند، ماهانه‌ها تحلیل‌های عمیق‌تر چاپ می‌کردند و فصلنامه‌ها نیز مختص پژوهش بود. الاان هرکدام یک‌پایه جلو آمده‌اند؛ یعنی هفته‌نامه‌ها باید به سمت تحلیل‌های جامع‌تر بروند؛ روزنامه‌ها نیز باید به سمت بسته‌های خبری رفته و از خبرهای طولانی به سمت خبرها و تحلیل‌های متکثر در باب یک موضوع بروند؛ یعنی حتما خبر تیرت یک شما، سرمقاله و چندخبر دیگر

خبررسانی بیان کرد. «شبکه‌های اجتماعی» آخرین موضوعی بود که از سوی اعضای تحریریه «شرق» به عنوان یک پدیده مهم روز مطرح شد و از سیدحسن خمینی خواستند تا دیدگاه خود درقبال این موضوع را بیان کند؛ وی در این زمینه اظهار کرد: «یکی از آفت‌های این شبکه‌ها این است که بسیاری از کتابخوان‌های حرفه‌ای کتاب را کنار گذاشته‌اند؛ هرچند من معتقدم این حالت برمی‌گردد و در واقع عطشی نسبت به این پدیده‌های جدید ایجاد شده که تا مدتی دوام دارد؛ یعنی می‌بینید که یک‌نفر ساعت‌ها به هدف پای این شبکه‌ها می‌نشیند و می‌بیند که صبح شده است؛ گاهی هم هدفمند در این شبکه‌ها حضور می‌یابد اما برای مطالعه کتاب وقت کم می‌آورد.» در این دیدار؛ مهدی رحمانیان، مدیرمسوول روزنامه «شرق» مطالبی را در خصوص وضعیت این روزنامه و شرایط حاکم بر فضای رسانه‌ای کشور و خبررسانی بیان کرد.

از وضعیت پرونده‌ای موسوم به «حسین کشان» سوال پرسید که سخنگوی قوه‌قضاییه در این‌باره گفت: «متأسفانه اصلا این خبر به صورت خلاف منتشر شده بود و عبارتی که شما به کار بردید وجود نداشت. البته تخلفی صورت گرفته بود منتها اصلا چنین قصدی که شما بیان کردید وجود نداشت. اقدامی که صورت گرفته بود اقدام خوبی نبوده است اما ما چرا به دست خودمان خبری درست می‌کنیم و بعد هم به آن پروپال می‌دهیم.» در پایان این نشست خبری هم خبرنگاری در رابطه با صحبت‌های آیت‌الله‌المهدی مبنی بر اینکه ییلاق و قشلاق میرحسین موسوی و مهدی کروبی به راه است و این افراد تحت نظارت به شمال هم می‌روند، توضیح خواست که محسنی‌اژه‌ای گفت: «چرا در این رابطه از من سوال می‌کنید؟ این بحث قضایی نیست»

ادامه از صفحه اول

پیام مرگ «خشخاشی»

خواستار اشد مجازات برای چه کسی شویم؟ چه کسی را نفرین کنیم؟ همه ما معلمان که روزی بر صورت دانش‌آموز سیلی زده‌ایم، همه ما که سر دانش‌آموز فریاد کشیده‌ایم، همه ما که به نوعی در تربیت دانش‌آموزانمان کوتاهی کرده‌ایم، در خلق این حادثه سهمی داریم. هرچه درباره قاتل بگوییم بخشی از آن به خود ما برمی‌گردد. این کودک قاتل، محصول خانواده، جامعه و مدرسه است. به معلمانی که خواستار اجرای اشد مجازات علیه قاتل و وضع مقررات سخت علیه دانش‌آموزان بی‌انضباط و اقدامات حفاظتی در مدرسه هستند، این سخن حضرت عیسی مسیح در مراسم مجازات زن خطاکار را باید یادآور شد: «از میان شما، هر آن‌کس بی‌گناه است، نخستین سنگ را به او بزند.» قاتل؛ یک‌دانش‌آموز ۱۵ساله و محصول روش تربیتی ماست. اگر موقع نام‌بردن از دانش‌آموزان موفق و سازگار، کردن می‌افزاییم هنگام شنیدن نام دانش‌آموزان بزهکار باید سرمان را پایین بیندازیم. اگر نام خشخاشی را پرچم سیاسی یا صنفی کنیم، همواره در توضیح مرگ او یا تناقض مواجه می‌شویم.

فعالانی که سعی می‌کنند، جدا از وجه «دراماتیکی» به این قتل جنبه انگیزشی بدهند، بیش از هرچیز جامعه معلمان را زیرسوال می‌برند، ما باید در مرگ این عزیز به سوگ بنشینیم، از خانواده او دلجویی کنیم. اما نمی‌توانیم درباره این حادثه به شکل حماسی سخن بگوییم. چنین تلاش‌هایی خواه ناخواه معلمان را به تقابل با دانش‌آموزان سقوف می‌دهد و این شروع بازی خطرناکی است و ای بسا؛ عکس‌العمل این تبلیغات، قرارگرفتن قاتل در موقعیت قهرمان برای بخشی از دانش‌آموزان باشد. بدون تعارف؛ هر چه از محسن خشخاشی شنیده‌ام، عشق به کار معلمی، جدی بودن و انسان بودن است. آیا خون این معلم پیامی بود؟

به نظر پیام خون به ناحق ریخته این عزیز، ریشه‌کنی خشونت در مدرسه است. خشونت در مدرسه دوسر دارد: معلم و دانش‌آموز. معلمان به‌دلیل موقعیت برتری که دارند باید پیشگام شوند و خشونت در مدرسه را بدون قید و شرط و اسما و اگر به‌صورت محکوم و متوقف کنند. اگر توقف خشونت را به اصلاح سیستم آموزش و پرورش، ارتقای فرهنگ جامعه، حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها و... مشروط کنیم، اگر دانش‌آموز را هم‌سطح و رقیب معلم فرض کنیم؛ چرخه خشونت ادامه می‌یابد. معلمان، انسان‌های آزاد و مختاری هستند. قدم اول این است که جامعه معلمی با صدای بلند هرگونه خشونت در مدرسه را محکوم کند.

مانور تبلیغاتی بانام سرخایی

تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای واقع شود. هرگاه مجمع مزبور به انحلال شرکت رای ندهد، باید در همان جلسه و با رعایت مقررات مادهٔ این قانون، سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی‌که هیات‌مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد، هر ذینفعی می‌تواند انحلال را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند.» حالا قرار است بقه کدام مدیر گرفته شود در حالی‌که صورت مالی مشخصی برای ادوار مختلف وجود ندارد؟ مشخص نیست باشگاه‌هایی که مشخص است زیان‌ده بوده‌اند و صورت‌های شفاف مالی نداشته و هرروز، دین یا دیون تازه‌ای از گوشه و کنار سربرمی‌آورد، چگونه می‌خواهند گزارش‌های مالی ارایه کنند تا قیمت پایه آنها – آن‌هم تا پایان آذر- به هیات واگذاری اعلام شود تا هیات واگذاری درخصوص قیمت‌گذاری این دوباشگاه اقدام کند؟ نگارنده پیش از این هم پیشنهاد داده بود تا این دوشرکت منحل شوند

وقتی زیان شرکتی دوبرابر سرمایه شد، این شرکت با باید منحل شود یا افزایش سرمایه دهد به‌نحوی که زیان‌ها را بپوشاند. وقتی این دوشرکت در حال حاضر، شرایط شرکت منحل‌شده را دارند، چگونه قرار است به بخش خصوصی فروخته شوند؟ زیانان انباشته آن چگونه قابل تسویه خواهد بود؟ به نظر می‌رسد این اقدام هم مانند اعلام خبر عرضه در بورس یا فرابورس، بیشتر نوعی مانور را به ذهن می‌رساند.

راهکار این است که پس از انحلال، دوشرکت سهمای‌عام با همین نام تاسیس شده و «مدیر تسویه» در آنها مستقرشود و کار دوشرکت از فقدان دارایی‌های مشهود و غیرمشهود رنج می‌برند و حتی بر سر مالکیت ساختمان و زمین تمرین آنها، دعواست اما در اینکه چنین وضعیتی برای اداره این دوباشگاه برطرف‌دار، قابل ادامه نیست، تردیدی وجود ندارد.

در عین حال ممکن است فرد با افرادی اعلام کنند خواهان خرید این دوباشگاه با این میزان بدهی و زیان مالی هستند؛ به نظر می‌رسد باید در نیت چنین افرادی شک کرد چرا که احتمالا موضوع دیگری جز کسب سود و فعالیت اقتصادی مدنظر آنهاست.